

بسم ربنا المقتدر المتعالی المقدّس العلیّ الابهی - حمد مقدّس از قرین...

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



از آثار حضرت بهاء الله - آثار قلم اعلی - جلد ۳ (۱۶۳ بدیع)، لوح رقم (۲۵۰)، صفحه ۴۹۷ -

۴۹۱

بسم ربنا المقتدر المتعالی المقدّس العلیّ الابهی

حمد مقدّس از قرین و مثال لم یزل ولا یزال محبوب بی زوالی راسزاست که به سلطان اراده و نفوذ مشیتش این قصر را منظر اکبر و مقرّ عرش فرمود و بحرکت قلم اعلی اهل انشا را بافق ابهی دعوت نمود. شبنمی از دریای معرفتش بر عالمیان مبذول داشت برخی اقبال و گروهی اعراض نمودند... فی هیکل عزّ مشهود و أنّ القيامة قد قامت و ظهرت من انوار عزّ محبوب و الصّراط قد ارتفعت فی نفس الله المهیمن المحمود و أنّ الجنّة قد ظهرت و تزیّت بطراز علیّ مقصود و أنّ الارواح تعلّقت فی سماء عزّ مرفوع و أنّ الورقا تغرّدت علی اغصان شجرة الامر ان انتم تسمعون و أنّ الجمال قد ظهرت عن خلف القناع و اذا انتم فی حجابکم محتجبون فاسمعوا قولى ثم قوموا علی ما غفلتم عنه ثم احترقوا کلّ الحیات باسم الله المهیمن العزیز القيوم لعلّ تدخلون فی حدائق الرضوان و تجدون اریاح التي تهبّ عن ازهار قدس محبوب و لا تمنعوا انفسکم عمّا قدر لکم من فضل الله المهیمن العزیز القدّوس فو الله سیطوی کلّ ما انتم تحبّونه فی الحیات الباطلة و ترجعون الی الله و تساءلون عمّا کنتم به ان تعملون و اذا یفوت عنکم تدارک مافات عنکم و فی محضر القدس عند ملائکة العالمین تخلّجون و لن ینفعکم شیء فیما فعلتم فی حیاتکم الباطلة و لا بما کنتم من زخارف الدّنیة و هذا الحقّ معلوم قدر رقم من اصبع عزّ قیوم و ظهر بالحقّ ان انتم تعلمون قل فو الله قد مضیت علیکم ایام الرّوح و کنتم عنها غافلون اذا فاستنصحو بنصحی هذا ثم اقبلوا الی وجه بارئکم ان انتم تعلمون و لا تستریحوا علی فراشکم الا بذكر الله و هذا ما تنصحکم حماسة الرّوح لعلّ انتم بهدی الله تهتدون و لا تتحرّکوا فی الارض الا بارادة من الله و هذا خیر لکم عن کلّ ما کان و ما یمکون و لا تنفّسوا الا بذكر المحبوب ان انتم بهذا النصح تستنصحون قل فو الله حیثنذ تغنّ حماسة الامر باعلی النّدا فی وسط السّما ان انتم تسمعون نزّوها آذانکم ثم ابصارکم لعلّ انتم ببصر الله تنظرون فیما قدر لکم فی جبروت العزّة و ماسطر من اصبع الرّوح علی لوح قدس محفوظ و انک انت یا علی فاشکر الله ربّک فیما عزّفک نفسه و اودع فی صدرک حبه و هذا الغایة المقصود ثمّ ظهر لک ماراءیت فی المنام و هذا لفضل مشهود اذا قدّس نفسک و طیر بجناحین العزّ فی هواء عزّ محبوب و لا تخفّ من احد و لا تنس فضل ربّک علیک و کن فی حبّ بارئک کالجبل الیاقوت و لا تحرم نفسک من ذکر ربّک ثم اذکره فی کلّ حینک و هذا فضل من الله العزیز القيوم و توکل علی الله فی کلّ الامور ثم اعرض عن الذّین کفروا و کانوا عن لقاء الله هم معرضون و انّا نشهد حیثنذ بانّک وفیت بعهدک و اجبیت بارئک فی حین الذّی ما اجابه المبعضون و کذلک سبقت رحمته علیک و



ORIGINAL

على الذينهم كانوا على الله ربهم يتوكلون بشر في نفسك ثم استبشر في روحك بماوردت في ارض التي في حولها ملائكة القدس يطوفون و كذلك منّا عليك و على الذينهم آمنوا بالله ربهم و كانوا الى وجه العزّ يتوجهون و التكبير عليك و على الذينهم كانوا في حبهم لراسخين و الحمد لله رب العالمين.

اهل انشاء را بهافق اهبى دعوت نمود. شبني از دريای معرفتش بر عالميان مبدول داشت برنخی اقبال و گروهی اعراض نمودند و به محبت اشيای فانيه از مقامات باقيه چشم پوشيدند. در هر حين تغرّات حمامات ذکر و بيان مرتفع ولكن اکثري از آن محرومند به علمای ظنون تشبّث جسته اند و از بحر يقين ممنوع شده اند تعالى سلطانه تعالى برهانه تعالى امره تعالى شأنه من ان يوصف بالحروف و الکلمات او ينعت بما ادر که اهل الارضين والسّموات. درياق اکل اتمّ به مبارکی اسم اعظم مشهود ولكن اکثري به امراض جهل و نادانی مبتلا. بحر حيوان امام وجوه ناس در امواج و شمس فضل فوق رؤس مشرق ولكن کلّ محتجب الا من شاء ربنا الغفور الکریم. لعمرا لله اگر عباد بر شعی از بحر اعظم فائز می شدند هر آينه صد هزار عالم و ماخلق فيه ایشان را از افق اعلى منع نمی نمود. اين عبد کليل و مراتب بيان فوق احصاء و معذک بسکوت هم مأمور. الحکم لله الواحد المقتدر المهيمن السميع البصير العالم الخبير. اشهدانه لا اله الا هو لم يزل کان و يکون لم يعرفه احد الا على قدر مقدور. انه هو المبين العزيز الغفور. روحی لا قبلكم الفداء و نفسی لا ستقامتکم الفداء. قد فاز الخادم بمافاحت منه نفحات ذکر المحبوب و هو کتابکم الذی شهد بما شهد الله قبل خلق السّموات و الارض بانه لا اله الا هو. و اخذتني حلاوة ذکرکم على شأن لا يذکر بالقلم ولا باللسان لانه کان مزينا بثناء الله رب العالمين. و اذا فزت و فتحت و قرئت توجهت الى مقرّ العرش و عرضت کلّ ما فيه تلقاء الوجه اذا نطق لسان العظمة روحی لنطقه الفداء قال و قوله الاحلى يا عبد الحاضر انه شهد بما شهد الله و عرف ظهور الله و سلطانه بعد الذی احتجب عنه اکثر العرفاء و البلغاء و عرف اليوم الذی فيه يقوم الحق و ينطق بين الخلق سوف تفتي الدنيا و ما فيها و يبقى شهادته لله رب العرش العظيم انتهى.

در اين مقام بياناتی فرمودند که اين عبد از ذکر جميع آن البته عاجز بوده و خواهد بود کلماتی از مشرق بيان اشراق فرمود که اگر اقلّ من شعر انوار او در ارض تجلّی فرمايد کلّ از آجال محدوده فارغ و مقدّس شوند و بمنتهی الآمال در کلّ احوال توجه نمایند. اين قدر بشارت می دهم آن حضرت را که ذکرشان در ساحت اقدس مقبول افتاد و اينکه مرقوم فرموده بوديد که گاهی آمد و شد با ديوانيان لاجل مصلحت امورهاهم می فرمائيد تلقاء وجه معروض شد فرمودند اين فقره بسيار محبوب است در کتاب اقدس کلّ به معاشرت با احزاب مختلفه اذن داده شده اند و معاشرت با امرا و حکام به مصالحی چند جایز است چه بسا می شود از معاشرت مظلومی نجات می يابد و يا فقيری از حبس آزاد می شود و شايد هم در وقتی از اوقات کلمه گفته شود که سبب تنبه گردد و معاشرت با آن نفوس صد هزار مرتبه از معاشرت با علمای غافل و مغلّ اولی و احسن است. معذک معاشرت با علما را هم اذن فرموده اند للحکمة و لعلّ يتذکر احد او ينجس چنانچه حضرت غصن الله الاعظم روح ماسواه فداه در کلّ يوم با امرا و حکام و علماء معاشرند و متّصلاً از هر قبيل خدمت ایشان مراوده می نمايند و از اين مراتب گذشته کلّ را به کسب امر فرموده اند و اين مقام معاشرت اصناف مختلفه را لازم دارد و همچنين در مقام ديگر فرمودند بنويس به ایشان که شما را به معاشرت و اخذ مطالبات اذن داديم بايد اهل الله بکمال روح و ريحان با کلّ معاشر باشند که شايد گم گشتگان وادی ضلالت به انوار هدايت فائز گردند. عيسى بن مريم با عشرين معاشرت می فرمودند و اکثري از ناس اعتراض نمودند فرمودند که من آمده ام که با خطا کاران معاشرت نمايم که شايد متنبه شوند و از باطل به حق راجع گردند و معاشرت و ملاطفت و امثال آن از شئون حکمت است که کلّ به آن مأمورند. نسأل الله بان يوفقني على حبکم و ذکرکم في منظر الله المقتدر المهيمن العزيز العظيم و يحفظ الذين آمنوا عن

نهیق کلّ ناهق و نعیق کلّ ناعق و قباع کلّ منکر و نباح کلّ غافل انّه هو الحافظ المقتدر العزیز المنیع. در سنی که
مقرّعرش عراق عرب بود در آخرایام که اراده هجرت فرمودند در اکثری از الواح ناس را اخبار فرمودند به طیور ظلهانی
و ضوضاء ناعقین و همچنین در ارض سرّ و همچنین در سجن اعظم که مخصوص فرمودند که مجدداً باید ناس را اخبار نمود تا
از امثال آن نفوس محفوظ مانند. و حال در بعضی از بلاد نباح کلاب مرتفع است و این عبد متعجب که چگونه
می شود که ناس از افق اعلی محتجب می مانند و به کلمات نفوسی که مابین یمین و یسار تمیز نمی دهند از حق ممنوع میگردند.
افّ لهم و لشعورهم و بما اکتسبت ایدیهم نعوذ بالله من شرّ هؤلاء الغافلین الماکرین النّاعقین و فی کلّ الاحوال الحمد لله ربّ
العالمین. و البهاء علی حضرتکم و من معکم و علی من یحبکم من لدی الله العزیز الجمیل.

خ ا د م ۲۰ ذیقعه سنه ۹۴